

## قطعه‌نامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران

پنجشنبه، ۲ دی ۱۴۰۰

### لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر - پنجم دسامبر)

فراخوان به سازمانهای کارگری، اتحادیه های معلمان، افکار عمومی!

### از اعتصاب و اعتراض معلمان در ایران حمایت کنید!

اطلاعیه تشکیلات خارج حزب

### اعتراضات سراسری معلمان برای آزادی و رفاه

صفحه ۱۱

نادر شریفی

### انتخابات در شیلی

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

### ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر



23/12/2021 10:48

۶۲۷

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۳ دی ۱۴۰۰ - ۲۴ دسامبر ۲۰۲۱

### درسهای اعتراض معلمان

امروز پنجشنبه دوم دیماه، علیرغم وسیع ترین فشار امنیتی در طول هفته، احضار بیش از صد نفر از فعالین معلمان و تهدید هزاران نفره معلمان با اس ام اس مبنی بر ممنوعیت تجمع، معلمان در ۱۰۴ شهر ایران تجمع کردند. شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" شعار اصلی تجمعات بود. اقدامات امنیتی شدید و تهاجم به معلمان در شیراز و تهران هم نتوانست جلوی اجتماع معلمان را بگیرد. اعتماد بنفس، یگانگی و برحق بودن معلمان بسیار بسیار از این تمهیدات قویتر است.

اجتماعات امروز معلمان در تعدادی از شهرها وسیعتر از بار قبل بود و مجموعا فضای اعتراضی تر و رادیکال تری بر مجموعه اجتماعات حاکم بود. امروز معلمان تنها برای پیگیری خواستههای خود و مقابله با ترفندهای مجلس و حکومت نیامده بودند، آنها صدای کارگران و اکثریت عظیمی از جامعه بودند که مانند معلمان علیه فقر و تبعیض و نابرابری بمیدان آمده اند. امروز گوشه بزرگی از اردوی بشریت آزادیخواه و برابری طلب و آزاداندیش و سوسیالیست در شهرهای ایران در هیئت اعتراضات معلمان روی صحنه آمد. این نوک کوه یخ اعتراضات میلیونی کارگران علیه فقر و تبعیض است.

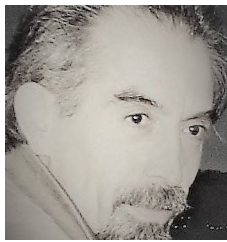
چند دستاورد و درس مهم:

بدنبال تحسن و اعتصاب و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## درسهای اعتراض معلمان ...



است. سرمایه ای که میتواند مبنای اتحاد فراگیرتر و قدرتمندتر معلمان و فرهنگیان در هر شهر و استان و کشور قرار گیرد. فراخوانهای انتقادی امروز معلمان که "باید همه در امر خود شرکت کنند"، بسیار بجا است. این نقطه عزیمت میگوید خواستههای برحق و منفعت واحد حکم میکند که هر معلم حضور یابد و ایفای

نقش کند، امرش را به دیگری نسپارد، راساً حضور یابد. آنوقت میتوانیم قویتر باشیم، همصداتر و ایمن تر باشیم. اتکا به خرد جمعی در تمام سطوح راه پذیرش تنوع نظر و وحدت عمل است. برگزاری منظم مجمع عمومی معلمان در مدارس بهترین و در دسترس ترین ظرف و مکانیزم برای متحد کردن و متحد نگهداشتن معلمان است.



اجتماعات معلمان علیرغم محدودیتهای تحمیلی و پرووکاسیون های حاشیه ای، بسیار منظم، با سخنان و خواستههای روشن، در حمایت پرشور بازنشستگان فرهنگی و دانش آموزان، با شعارهای ضد تبعیض و فقر برگزار شد. نفس برگزاری این اجتماعات در این سطح و تامین الزامات آن، از یک پختگی و رهبری لایق و تجربه کار سخن میگوید که به سهم خود به دیگر اعتراضات در جامعه کمک می کند. اما این اعتراضات محدود به دستاوردها و خواستها و طول و عرض این مبارزه نیست.

معلمان شاغل و بازنشسته امروز صدای دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش به فقر محکوم شده و صدای اعتراض علیه بانیان و مسببین کل این اوضاع بودند. آنها علیه طرحهای مسجد کردن مدارس و آوردن آخوند و طلبه مفتخور به محیط مدرسه گفتند؛ اگر دانش آموز میخواست طلبه شود حوزه میرفت! علیه فساد و دزدی و منافع شخصی مدیران و معلمانی که مدارس خصوصی راه انداخته اند، علیه دیدگاه هائی که همراه امنیت میانی ها به معلمان انگ میزند، علیه رسانه های حکومتی و ضد معلمان و جامعه، در دفاع از حقوق کودکان و دانش آموزان، در دفاع از آموزش رادیکان و معیشت و آزادی شهروندان سخن گفتند. معلمان امروز جلودار جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بودند.

ما به اتحاد و مبارزه پیشرو معلمان درود میفرستیم. این مبارزه مورد حمایت قلبی دهها میلیون نفر و الهام بخش گسترش اعتصابات و اعتراضات بخشهای مختلف مردم کارگر و زحمتکش است. خواستههای معلمان و اکثریت عظیم جامعه مشترک است؛ یک جامعه علیه فقر و تبعیض و حاکمیت اقلیتی مفتخور و استثمارگر و سرکوبگر بپاخاسته است. پیروزی و پیشروی در هر جبهه این مبارزه پیروزی ای برای طبقه کارگر و عقب راندن بانیان وضع موجود است.

امروز معلمان در بهترین موقعیت خود هستند و میتوانند حقوق شان را از حلقوم مفتخوران بیرون بکشند. آنها کوتاه نمی آیند و حق دارند که کوتاه نیایند!

سردبیر.

۲ دیماه ۱۴۰۰

اجتماعات موفق سه روز معلمان، دیدگاهی میان معلمان وجود داشت که ادامه اعتراضات را در تجمعات خیابانی مفید میدانست و یا مخالف با آن بود. در بهترین حالت نگران بود ظرفیت اعتراض وجود نداشته باشد و یا دعوت به تجمع خیابانی را در لحظه کنونی درست ارزیابی نمیکرد، و در بدترین حالت ادامه اعتراض را به زبان امنیتی ها "اغتشاش" میخواند. اجتماعات قدرتمند امروز معلمان، پاسخ اجتماعی این دیدگاه بود.

یک مسئله دیگر نگرانی از امنیت فعالین معلمان و درک از تناسب قوا بود. معلوم شد امنیت و درجه آن، نه تابع مجاز خامنه ای و رئیسی بلکه تابع تناسب قوای عمومی تر جامعه و اتحاد صفوف معلمان است. نه فقط انگ زندهای جوان و مشرق نیوز و کیهان بلکه احضار بیش از صد نفر و تهدید جمعی و هزاران نفره معلمان، نتوانست مانع حرکت قوی اعتراضی معلمان شود. ظاهراً نیروهای امنیتی یکدست نبودند و هر کدام سازی میزدند. یکی میخواست از سر بگذراند و تجمع را تحمل و محدود کند و یکی میخواست نگذارد اصولاً تجمعی برگزار شود. هر دو علیه معلمان عمل کردند و هر دو شکست خوردند. اتحاد و عزم معلمان قویتر بود. همین اتحاد چند بازداشتی را هم سریعاً آزاد کرد.

وقتی گفتیم "تهدید و زندان دیگر اثر ندارد چرا که معلمان متحدند"، به این واقعیت تاکید میکردیم که اتحاد معلمان هر سدی را می شکند و تعادل جدیدی ایجاد می کند. تناسب قوا قانون نوشته نیست، وضعیت نانوشته است. تناسب قوا خودبخود تغییر نمیکند بلکه این اراده جمعی و پراتیک اجتماعی و طبقاتی است که وضعیت جدیدی ایجاد میکند که تغییر تناسب قوا یک محصول آنست. مضافاً اینکه فاکتورهای ماکروتر در جامعه و همسرنوشتی بخش عظیمی با معلمان، شرایط اعتراض را مساعدتر و دستگاه سرکوب را اگر نه فلج لاقل محتاط می کند. آنجا که مانند شیراز و تهران دست به وحشیگری زدند، با مقاومت قاطع زنان روبرو شدند و پس کشیدند. امروز معلمان زن درس مقاومت دادند.

اتحاد معلمان که خوشبختانه هر روز گسترده تر میشود و صفوف وسیع تری از معلمان را بمیدان میکشد، مهمترین سرمایه و دستاورد معلمان

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## قطنامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران

پنجشنبه، ۲ دی ۱۴۰۰

فرهنگیان عزیز، دانش آموزان و اولیای گرامی!

تمرکز ثروت و قدرت در دست یک عده قلیل است که امنیت مالی و روانی اکثریت جامعه را به خطر انداخته است. ما تشویش اذهان عمومی علیه معلمان توسط صدا و سیما را محکوم می‌کنیم.

۶. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران یک تشکل صنفی و مستقل است که از کانون‌های صنفی و انجمن‌های صنفی فرهنگیان تشکیل شده‌است این کانون‌ها و انجمن‌ها تشکل‌های صنفی، مستقل و دارای شناسنامه و قانونی هستند.

شورای هماهنگی ضمن استقبال از آزادی رسول بدایق انتظار دارد حاکمیت به رفتارهای امنیتی با معلمان ایران پایان دهد. اسماعیل عبدی پس از اتمام ۶ سال زندان یک سال است که زندان ۱۰ ساله خود را می‌گذراند و در انتظار اعاده دادرسی است. ما خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب وی هستیم. در اقدامی عجیب عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان بدون اخذ ضرورت آخرین دفاع در دادسرا پرونده اش به دادگاه رفت. ما ضمن اعتراض به این رویه غیر حقوقی و شگفت‌انگیز خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب او در دادگاه هستیم. همچنین به حکم صادره ۷ ماه زندان تعزیری لطیف روزیخواه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی و صدور حکم جزای نقدی سنگین و ممنوعیت علیه محمود ملاکی عضو ارشد کانون صنفی فرهنگیان بوشهر و یکسال حبس علیه علی‌اصغر امیرزادگان اعتراض داشته و خواهان آزادی یعقوب یزدانی و محمدرضا رمضانزاده از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان شمالی و مهدی فتحی از فعالان صنفی استان فارس هستیم.

حکم دادگاه آقای محمد فلاحی دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران باید لغو گردد و پرونده‌سازی علیه جعفر ابراهیمی، غلامرضا غلامی و روح‌الله مردانی و احضار فعالان صنفی متوقف گردد و باید رسول بدایق و محمد حبیبی به کلاس درس برگردند.

در پایان اعلام می‌کنیم شورای هماهنگی بر عهد و پیمان خود با فرهنگیان شاغل و بازنشسته تاکید دارد و تا تحقق کامل مطالبات با حمایت فرهنگیان دست از مطالبه‌گری برنخواهد داشت و روند اعتراضات را با شدت هرچه بیشتر ادامه خواهد داد، همچنین از دولت و مجلس می‌خواهد بیش از این در مقابل خواست و اراده ی معلمان نایستند.

به امید تحقق آزادی و عدالت و رفاه و شادی و صلح در ایران عزیز

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران  
۲ دی ۱۴۰۰

ما امروز اینجا جمع شدیم که به سیاست‌های حاکمیت در قبال فرهنگیان شاغل و بازنشسته و بی‌توجهی به آموزش با کیفیت و رایگان اعتراض کنیم. ما در اینجا جمع شده‌ایم تا اعلام کنیم:

۱. امروز زندگی بازنشستگان شریف و عزیز با مخاطرات جدی روبرو است حقوق آنان نصف خط فقر است از بیمه‌کارآمد محرومند و قانون همسان‌سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری اجرا نمی‌شود. ما خواهان اجرای کامل قانون همسان‌سازی از اول مهر ۱۴۰۰ هستیم و بیش از این نمی‌توانیم به این وضعیت ظالمانه ادامه دهیم.

۲. مصوبه مجلس در مورد رتبه‌بندی چیزی جز سرهم‌بندی نبود جالب اینکه دولت مدعی شده‌است که همین لایحه ناقص و تحمیلی را هم در سال ۱۴۰۰ اجرا نخواهد کرد. ما خواهان اجرای لایحه رتبه‌بندی بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار در نیمه دوم ۱۴۰۰ هستیم. باید حقوق معلمان بخش خصوصی در مدارس غیردولتی، معلمان نهضت سوادآموزی، خرید خدمات، نیروهای خدماتی و سایر بخش‌ها با توجه به رتبه‌بندی افزایش یابد. ما نسبت به این همه تضییع حقوق و ستم به فرهنگیان بیزاریم و در مقابل این همه ستم سکوت نمی‌کنیم.

۳. وضعیت و کیفیت آموزش بحرانی است فقدان امکانات و آموزش پولی باعث بازماندن بیش از سه میلیون کودک از آموزش شده‌است ما خواهان کیفیت‌بخشی به آموزش و ارائه آموزش کیفی و رایگان و عادلانه در تمام کشور به ویژه مناطق محروم هستیم.

۴. سناریوسازی به شیوه کیهان برای مقهور کردن و امنیتی کردن مطالبات صنفی راه به جایی نخواهد برد سال‌هاست که فعالان صنفی زیر ضرب هستند و زندان و اخراج به آنان تحمیل می‌شود اما کنشگری متوقف نمی‌شود. امروز آزادی معلمان دربند یک مطالبه جدی نزد معلمان است و آزادی آقای رسول بدایق نتیجه این مطالبه‌گری است و ما آن را به فال نیک می‌گیریم اما خواسته معلمان آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان زندانی، توقف احضار و بازجویی فعالان صنفی و توقف پرونده‌سازی و دادگاه‌های ظالمانه است. ما به خط سرکوب فعالان اعتراض داریم و با تمام قدرت از معلمان دربند حمایت می‌کنیم.

۵. ما از افزایش حقوق تمام اقشار اجتماعی و کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر حمایت می‌کنیم و زندگی شرافتمندانه را حق همگانی می‌دانیم و با تحلیل‌های غیرکارشناسی که افزایش حقوق معلمان را تورم‌زا می‌داند مخالفیم. این حقوق‌های نجومی، اختلاس‌های بزرگ و

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**



## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر - پنجم دسامبر)

۵۷ و فرصت کوتاه دو ساله که شوراهای کارگری امکان فعالیت موثر و مثبت داشتند.

۲- بعد از سرکوب سال شصت به بعد، اتکای مبارزات کارگری به مجمع عمومی همچون ظرف سرراست مبارزه و اعتصاب و تلاشی که وجود داشته برای منظم کردن و ادامه کاریشان و به این معنی تلاش برای ایجاد شورا.

۳- تجربه موفق اخیر در هفت تپه در ایجاد مجمع عمومی و شکل دادن به مجمع عمومی نمایندگان و شورا و جانداختن جهت گیری "اداره شورایی".

۴- مطلوبیت مجمع عمومی به عنوان سازماندهی از پایین کارگری و ظرف سرراست و ساده و بدون پیچیدگی متشکل کردن کارگران. تشکلی که احتیاج به مجوز گرفتن و پروسه اداری و ایجاد دفتر و دستک و سلسله مراتب بوروکراتیک ندارد.

۵- مجمع عمومی ظرف عمل مستقیم کارگری است. آحاد کارگر در مرکز کارگری مستقیماً در مسائل مربوط به شرایط کار و مبارزه و اعتصاب و هر فعل و انفعال کارگری دخالت بی واسطه دارد. امکان عزل و نصب نمایندگان خود را دارد. به علاوه مجمع عمومی مناسبترین ظرف عمل تغییر دهنده و رادیکال کارگری است.

۶- از آنجا که به طرف تحولات سیاسی مهم در جامعه میرویم، به طرف جابجایی قدرت سیاسی میرویم. در چنین شرایطی مطلوبیت جنبش شورایی و چشم انداز حاکمیت شورایی و تأکید بر جنبش مجمع عمومی به عنوان بستر اصلی شکل دهنده جنبش شورایی به طور جدی برجسته میشود.

به این دلایل فکر میکنم کارگران مبارز و به ویژه گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری، در کارخانه و مراکز و رشته های کارگری به شیوه آگاهانه و بیش از پیش بر ایجاد مجمع عمومی و سروسامان دادن به جنبش مجمع عمومی لازمست فوکوس کنند. این جهت گیری و پیشنهاد مورد نظر ما است.

با این وجود ما متوجه ایم، ایجاد سندیکا هم موضوعیت دارد. آیا این به معنای به وجود آمدن تقابل شورا، سندیکا در این دوره است؟ الزاماً اینطوری نیست. ما به عنوان جریان و فعال جنبش مجمع عمومی و شورایی از ایجاد سندیکاهای مستقل از دولت و کارفرما و عواملش حمایت میکنیم. مواردی از جمله در کارگاههای کوچک و پراکنده، خودمان دست به کار ایجاد سندیکا می شویم. به عنوان تجربه در سالهای ۶۵ و ۶۶ شمسی ما خود مستقیماً درگیر ایجاد "اتحادیه صنعتگر" در میان کارگاه های کوچک شهر سنج بودیم. شورا و سندیکا به عنوان دو سنت و دو الگوی سازماندهی دو گرایش در جریان مبارزات کارگری روی فصل مشترکها میتوانند همکاری کنند.

صفحه ۵

با درود به دوستان حاضر و دیگر پانلیستها. با تشکر از برگزار کنندگان این سمینار. با این فرض مشترک شروع میکنم که برجسته شدن بحث تشکل کارگری، انعکاس پیشرویهایی جنبش طبقه کارگر و مباحث فعلی بعد از موفقیت های درخشان کارگران هفت تپه و اعلام مجمع نمایندگان به عنوان تشکل کارگری از جانب سخنگویان شناخته شده مبارزات کارگران هفت تپه برجسته شده است. این را باید به فال نیک گرفت. در نتیجه به مبارزات کارگری و فعالین و سازماندهندگان و شرکت کنندگانش در چهار دهه اخیر درود میفرستم.

عنوان بحث "لزوم و شکل تشکل های کارگری در مقطع کنونی" است. فکر میکنم لزوم تشکل کارگری احتیاجی به استدلال ندارد، بلکه برعکس اگر کسی در این دنیا پیدا شود، و ادعا کند، تشکل کارگری لزومی ندارد، او باید زحمت زیاد به خود بدهد و استدلال کند. همین را اضافه کنم از بیش از صد سال قبل زنده یادانی چون دهگان، حجازی، سلطان زاده، یوسف افتخاری و علی امید ویدی خسروشاهی و به علاوه صدها فعال کارگری و کمونیست مبارز خوشبختانه در قید حیات و تعدادی هم متأسفانه جانباختند در چهار دهه عمر جمهوری اسلامی بخش مهمی از تلاش دایمی شان، تلاش برای سازماندهی تشکلهای کارگری بوده است.

یک نکته عمومی تر را هم یادآور شوم، استبداد حکومتی سلطنتی و یا جمهوری اسلامی به غیر از دوره های محدود، طبقه کارگر و جنبش کارگری را از تشکل توده ای خود محروم کرده است. در نتیجه هر زمان و در مقطع کنونی ایجاد تشکل توده ای کارگری، مستقل از دولت و دم و دستگاه سرمایه داری اعم از مجمع عمومی، شورا و سندیکا و یا به نامهای دیگر از نان شب واجب تر است. براین اساس است ما فکر میکنیم در چهاردهه اخیر اساساً و عمدتاً ایجاد مجامع عمومی و در دهه هشتاد شمسی در فرصتهایی که پیش آمد، ایجاد سندیکای واحد و هفت تپه و بعضی تشکلهای فعالین کارگری یا مدافع کارگر از نظر من مثبت و قابل حمایت بوده است.

### در مورد شکل تشکلهای کارگری در این دوره!

سیر مبارزات کارگری و تحولات سیاسی این چشم انداز را نشان میدهد، ما با گسترش وسیع جنبش مجمع عمومی و شورا و حتی بخشاً با تشکل سندیکاها و اشکل دیگری از تشکل کارگری مستقل از دولت روبرو خواهیم بود. وقوع چنین اتفاق مهمی کل جنبش کارگری و حتی جنبش اعتراض توده ای را علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی در شرایط بسیار مساعد تری قرار خواهد داد. حال که بحث بر سر شکل تشکل است، ما فکر میکنیم مجمع عمومی و شورا مناسبترین و مطلوبترین است. از ظرفیت گسترش جدی برخوردار است. به این دلایل:

۱- توجه به پیشینه دست بالا پیدا کردن جنبش شورایی در مقطع انقلاب

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**

## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر - پنجم دسامبر) ...

اینجا میرسیم به بحث هایی که در این دوره با نامهای مختلف در حاشیه تحرک اصلی جنبش کارگری اتفاق افتاده است.

### الف - بحث دو قطبی شورا - سندیکا:

کسانی بحث دو قطبی کاذب شورا - سندیکا را پیش کشیدند. من در شروع این سمینار از عبارت "کاذب" استفاده نمیکنم. در رابطه و به بهانه اعلام مجمع عمومی و مجمع نمایندگان کارگران در هفت تپه، که فعالین کارگری شناخته شده آنجا به عنوان تشکل خود اعلامش کردند، به نظرم یک حرکت ناسالم و یک دو قطبی غیر واقعی در مقابل مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه قرار داده شد. در جریان اعتصاب و اعتراضات کارگری هفت تپه به ویژه در سه سال اخیر چنین دو قطبی وجود نداشت. غیر از مجمع عمومی و مجمع نمایندگان کارگران، تشکل دیگری نقشی ایفا نکرده است. سندیکای هفت تپه، که در دهه هشتاد شمسی درست شد و مقاطعی نقش مثبت ایفا کرد، در مبارزات این سه ساله نقشی نداشته است. تازه همین فعالین مجمع عمومی در هفت تپه، در مناسباتهای مختلف از نقش مثبت سندیکا و فعالین آن در مبارزات گذشته قدردانی کرده اند. لذا در زمین واقعی مبارزات کارگری چنین دو قطبی وجود نداشت. اما در کلاب هاوسها و شبکه های اجتماعی عده ای که پیشروی کارگران هفت در بعد سازمانیابی و در فرمت مجمع نمایندگان به عنوان تشکلشان را قبول نداشته و ندارند، بحث سندیکا را در مقابلشان قرار دادند. در یک برنامه کلاب هاوس که اسماعیل بخشی و علی نجاتی سخنران بودند، طرفداران سندیکا به شیوه ای نامربوط و فرقه ای و ناسالم اسماعیل بخشی را به عنوان یک فعال شناخته شده مجمع نمایندگان و طرح کننده اداره شورایی تحت فشار قرار میدادند، که چرا سندیکای هفت تپه را احیا نمی کنید؟! (چون آن سندیکا الان موجود نیست و در مبارزات سه سال اخیر کارگران هفت تپه حضور نداشته است). اینها به رسمیت نمی شناسند، او فعال جنبش مجمع عمومی و شورایی است. در نتیجه در دنیای مجازی و شبکه های اجتماعی تحت نام دفاع از سندیکا مخالفت با مجمع نمایندگان و حرکت شورایی در هفت تپه قد علم کرد. کسانی مثل روبن مارکاریان عضو جناحی از راه کارگر به یاد مخالفت های ۴۰ ساله سازمانش با مجمع عمومی و جنبش مجمع عمومی افتاد. رضا مقدم که الان خودش در این سمینار هست و در نوبت خودش توضیح دهد، این دو قطبی ناموجود و در واقع مخالفت با پیشروی کارگران هفت تپه را تئوریزه کرد. به نحوی وارونه مطرح کردن این دو قطبی به قول خودش "کاذب" را میخواهد به حساب طرفداران مجمع عمومی قالب کند. این تلاش ناموفقی است. مثال روشن از برخورد درست ما طرفداران جنبش مجمع عمومی اتفاقا وجود دارد. در دهه هشتاد شمسی آن وقت که سندیکای شرکت واحد و هفت تپه به وجود آمدند و در واقع یک پیشروی برای جنبش کارگری و تحرک سندیکایی بود، ما و همه جریانات و کسانی که خود را طرفدار جنبش مجمع عمومی و شورایی میدانند، نه تنها مخالفتی نکردیم، نه تنها

قطبی در مقابلشان قرار ندادیم، بلکه با نگرش درست و حرکت از سر منفعت عمومی جنبش کارگری حمایت شان کردیم. در شرایط سخت و تندپنجهای جدی در کنارشان بودیم. علاوه بر این دو سندیکا حتی تشکلهای فعالین کارگری و یا فعال مدافع حقوق کارگر که به نامهای کمیته های پیگیری، هماهنگی و یا اتحادیه کارگران آزاد و ... درست شدند، حمایتشان کردیم. میخواهم بگویم این بار مدافعین گوناگون "سندیکا" این دو قطبی غیر واقعی را علم کردند.

### ب- بحث مجمع عمومی تشکل نیست!:

بحث بی پایه دیگری که این مدت راه افتاد، گویا "مجمع عمومی" تشکل نیست. در این مورد هم رضا مقدم با نوشته و گفته هایش چنین ادعایی کرده است. این موضوع هم در شرایط مشخص سه چهار ماهه اخیر که طرح شده، بحثی در مقابل پیشروی کارگران هفت تپه است. درست در شرایطی که کارگران هفت تپه میگویند تشکلشان متکی به مجمع عمومی و خرد جمعی و روش شورایی است و این را در دل نبرد و مبارزه شان و در مقابل سرمایه دار و دولت میگویند. ابراهیم عباسی یکی از فعالین شناخته شده و از سخنگویان کارگران هفت تپه در مقابل یکی از مسئولین دولتی و با حضور جمع وسیعی از کارگرانی که دور و برش را گرفتند، به آن مسئول دولتی اولتیماتوم میدهد و میگوید "ما اینجا مجمع نمایندگان و تشکل شورایی" درست کردیم، بعدا در مقابل ما شورای اسلامی را احیا نکنید. (نقل به معنی) آنوقت عده ای این بحث را وسط کشیدند، "مجمع عمومی تشکل نیست". اگر کسی صمیمانه به قضیه نگاه کند، می بیند، دارند توسر کارگران هفت تپه میزنند، که ادعای ایجاد تشکل نکنید! زیادی مسئله "مجمع نمایندگان مجمع نمایندگان" نکنید، به زعم آنها "مجمع عمومی تشکل نیست!!" در این مسئله علاوه بر محدودنگری سندیکایی و سطحی گری، محاسبات ناسالم و رقابتها و حسادتها هم عمل میکنند.

### ج- مجمع عمومی تشکل است!

از نظر من مجمع عمومی تشکل است. در واقع مسئله "مجمع عمومی تشکل نیست" به نحو گمراه کننده ای مطرح شده است. میگویند تشکل نیست، چون پایدار نیست. پاسخ ما اینست هر وقت پایدار و منظم و دایر شد، این دیگر شورا است. کیفیت جدیدی از ابراز وجود مجمع عمومی و منطبق با این کیفیت جدید از کارکرد، کاراکتر و اسمش شورا است. در واقع شورا و مجمع عمومی از هم جدا شدنی نیستند. میرسم آیا تشکیل شورای کارخانه، فابریک و شورای پایه بدون مجمع عمومی اصلا وجود دارد؟ از نظر ما مدافعین جنبش شورایی نه. مگر مثل چپ قدیمی و سنتی از جمله مقطع انقلاب ۵۷ تعیین و حتی انتخاب چند نفر همچون نهاد نیابتی را "شورا" بنامیم. این دیگر ارگان اعمال اراده مستقیم آحاد کارگر در مراکز و رشته کارگری نیست و این دیگر شورا نیست. شورا بدون اتکا به مجمع عمومی شورا نیست. ما تشکل مجمع عمومی هنوز شورا نشده در همین مبارزات داریم و تجربه میکنیم، اما هیچوقت شورای بدون برخاسته از مجمع عمومی را نداریم. هر وقت مجمع عمومی در هر جا، در مراکز کار و حتی محلات منظم شد، این دیگر شورای آن کارخانه و یا آن محله است. در نتیجه مجمع عمومی و شورا یک پدیده انتگره و عجین شده در هم هستند. قابل تفکیک نیستند. کسی که ادعا دارد، مجمع عمومی تشکل نیست، منطقا باید بگوید شورا هم تشکل نیست. تناقض دیدگاه این طیف آنجا برجسته تر میشود، که مجمع

## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر - پنجم دسامبر) ...

عمومی ارگان عالی تصمیم گیری است، اما تشکل نیست؟!!

وقتم در این بخش بپایان رسیده، اینجا این را تاکید کنم در سابقه جنبش کارگری جهانی و خود جنبش کارگری ایران، جنبش شورایی و جنبش سندیکایی دوست و سیاست و الگوی سازمانی متفاوتند. هر کدام به گرایش و افق و سیاست متمایز از هم در درون جنبش کارگری متعلق اند، مجمع عمومی و شورا متعلق به گرایش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر و سندیکا و جنبش سندیکایی به گرایش رفرمیستی درون طبقه کارگر متکی اند. اگر فرصت شد، دوباره به این موضوع برمیگردم.

دور دوم بحث من:

به رسمیت نشناختن مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه، زیر لوای دفاع از سندیکا!

بحث متمرکز شده روی همین دو قطبی شورا، سندیکا و بحث مجمع عمومی. جهت اطلاع دوستانی که شاید تازه در بحث حضور پیدا کردند، من در شروع بحث گفتیم، در آن تحرک و مبارزات واقعی که در هفت تپه و فولاد و نفت و پتروشیمی و مراکز دیگر کارگری در جریان بوده و هست، یا در مبارزات کارگری سالهای قبلتر از جمله در دهه هشتاد شمسی که سندیکای واحد و هفت تپه درست شدند، در محل و در جریان اعتصاب و اعتراضات چنین دو قطبی به وجود نیامد. طبعاً در تاریخ جنبش کارگری جهانی و ایران به طور واقعی دوگانه شورا و سندیکا متعلق به دو سنت، دو شیوه و دو الگوی سازمانی هست. واقعی است، جدا از هم هستند. آنها متعلق به جنبشهای مختلف و گرایشهای مختلف درون جنبش کارگری هستند. یکی به جنبش و گرایش رادیکال کمونیستی درون طبقه کارگر و دیگری به رفرمیسم در جنبش طبقه کارگر متعلقند. اشکال شناخته شده این دو قطبی را در جنبش کارگری کشورهای اروپایی دیدیم. اما باید در نظر داشت شرایط جنبش کارگری ایران امروز زیر استبداد، یک بیک مثل شرایط جنبش کارگری اروپا نیست. به این موضوع در بخش پایانی بحث برمیگردم. اما در این نوبت دوباره میخوام بگویم اتفاقاً بحثهایی که راه افتاده و از جمله رضا مقدم در نوشته اش و قبلاً روبن مارکاریان از رهبری شاخه ای از راه کارگر تئوریزه اش کرد، به آن اعتصابات و مبارزات واقعی در هفت تپه و فولاد و قبل از آنها ربطی ندارد، در آن مبارزات چنان دو قطبی به وجود نیامد. پنج سال کارگران هفت تپه و به ویژه سه سال اخیر از ۹۷ به بعد، پشت سرهم اعتصابات و اعتراضاتشان را داشتیم، همه میگوییم این بخش درخشان جنبش کارگری ایران است. در این سه سال اخیر متکی به مجمع عمومی استمرار مبارزاتی را حفظ کردند، اعتصاباتشان را سازمان دادند، به قول خودشان خردجمعی شان را بکار گرفتند. سنگر و سکوی مبارزاتشان را سازمان دادند. مجمع نمایندگانشان را ساختند، خلع ید را عملی کردند. اخیراً در مقابل اجتماع اداره کار و عبدالخانی رئیس این اداره، آنجا یکی از سخنگویان کارگران، ابراهیم عباسی میگوید، "تشکل ما مجمع نمایندگان و شورای پنج هزارنفره ماست"، اینجا دوستان علی نجاتی ایراد میگیرد، پنج

هزارنفر نیست، کمتر است. خوب باشه علی نجاتی عزیز در نوبت بعدی خودت بگو آیا در هفت تپه ۴ هزار کارگر هست یا نه. عباسی کفر که نکرده در یک سخنرانی کمی آمار را دقیق نگفته است! میخوام بگویم بخشی از طبقه ما، جنبش کارگران در هفت تپه یک پیشروی مهم و جدی به دست آورد. هم در عرصه مطالباتش، هم در عرصه تشکل یابی توده ای و اتفاقاً در همین شریط استبدادی که رفیق ایوب رحمانی فکر میکند، تشکل پایدار درست نمیشود، در هفت تپه درستش کردند و تحمیل کردند. همین جا تاکید کنم جنبش و جریان سیاسی و حزبی ما هیچ وقت به این بحث تن ندادیم که گویا در شرایط اختناق و استبداد نمیشود، تشکل توده ای درست کرد. گفتیم و نوشتیم، که عملی است، منطبق با آن گفتیم، مجمع عمومی تشکل است. تاکید کردیم مجمع عمومی منظم و سازمانیافته شورا است. گفتیم در تناسب قوای معین میشود شورا و سندیکا را تحمیل کرد. در بخش اول بحث اشاره کردم که در سالهای ۶۵ و ۶۶ شمسی در شهر سنندج "اتحادیه صنعتگر" در میان کارگاههای کوچک آن شهر درست کردیم و برای مدت شش ما تا یکسال و حتی بیشتر به رژیم هار اسلامی تحمیلش کردیم. آن مدت کوتاه بود و به معنایی پایدار و ادامه دار نشد. اما در آن دوره تشکل بود. تجارب مهم داشت. اینکارها ممکن است. در نتیجه بحث من اینست، این بحثهایی که در کلاب هاوسها و شبکه های اجتماعی راه افتاد، اینها دوگانه کاذب بودند. صریحتر بگویم کسانی و از جمله رضا مقدم مدعی اند، گویا این دو قطبی و بحثهای کاذب را طرفداران مجمع عمومی که جزو احزاب هستند راه انداختند. اینطور نبود. زمانی که دیده شد، جنبش کارگران هفت تپه یک پیشروی جدی از جمله در عرصه سازمانیابی توده ای اش به سرانجام رسانده و مجمع عمومی و شورا را جا انداخته، من فکر میکنم از داخل و خارج (که) شخصاً این تقسیم بندی را نمی پسندم)، جریانات و کسانی این پیشروی کارگران هفت تپه برایشان قابل هضم نبود، زیر نام دفاع از سندیکا و یا سندیکای قبلی این بحثها را علم کردند. یعنی طرفداران سندیکا راه انداختند. دوباره این را یادآوری کنم در دهه هشتاد شمسی، که سندیکای واحد و هفت تپه درست شدند، آیا این بحثهای دوگانه راه افتاد؟ نه! چون همه جریانات طرفدار جنبش مجمع عمومی و شورایی از ایجاد سندیکای واحد و هفت تپه حمایت کردند. علی نجاتی عزیز! که با این بحث "روشنفکر، روشنفکر" آمدی سراغمان، دهها تظاهرات و آکسیون با عکس امثال شما و رضا شهابی و ابراهیم مددی و دیگر فعالین کارگری زندانی و حتی سندیکالیست راستی چون اسانلو را سازمان دادیم، شرکت کردیم، سخن گفتیم، مصاحبه کردیم، میخوام بگویم اتفاقاً در آن دوره با وجود اینکه سندیکای هفت تپه و واحد درست شدند و نشانه پیشروی حرکت سندیکایی هم بود، که بود، اما طرفداران جنبش مجمع عمومی و شورایی با سعه صدر بالا و بدون برخورد سکتاریستی، حمایت کردند.

اما این بار کسانی که خود را سندیکایی و یا مدافع سندیکا معرفی میکنند، من نمیگویم همه کسانی که سندیکایی هستند، چنین کردند، ظاهراً به نام دفاع از سندیکا، بحث بی پایه "مجمع عمومی تشکل نیست" و بحث غیرواقعی "تقابل شورا- سندیکا" و یک دو قطبی بيمورد و یا بهتر بگویم تلاش کردند یک قطب غیر واقعی در مقابل پیشروی جنبش کارگران هفت تپه را ایجاد کنند. رضا مقدم میگوید اینطور نیست. من میگویم اینطور است. میپرسم چرا این بحث دو ماه قبل از اعلام مجمع عمومی نمایندگان شورایی هفت تپه وجود نداشت؟ چرا دو سال و چهار سال قبلتر نبود؟ بحث مجمع عمومی، شورا، سندیکا، یک تاریخ سی، چهل ساله دارد. رضا مقدم و من آن زمان در یک حزب بودیم. در حزب کمونیست ایران منظورمه، در آبانماه ۶۶ یعنی ۳۴ سل قبل آنوقت

## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر- پنجم دسامبر) ...

سند مجمع عمومی، شورا، سندیکا را داشتیم. هر دوی ما تبلیغ و ترویجش کردیم. در آن سند آمده، "شورا، مجمع عمومی سازمانیافته و منظم کارگران است" آنوقت و تاکنون در این فرمولبندی، دوگانه و ادعای "مجمع عمومی تشکل نیست" را ندیدیم. من نگفتم در شروع مجمع عمومی رو پای خودش "پایدار" است. مجمع عمومی ظرف متحد و متشکل کردن کارگران است که جعفر عظیم زاده هم گفت. آخه چرا تشکل نیست؟ در یک کارخانه، در یک مرکز کارگری، در شرایط سختی که اجازه فعالیت به شورای کارخانه نمیدهند، به سندیکای پایدار نمیدهند، در یک اعتصاب ده روزه، نود روزه و بیشتر ظرفی که کارگران را در کنار هم بگذارد، خواسته ها را یکی کند، نماینده انتخاب کند، مذاکره با کارفرما و سرمایه دار و دولت و غیره را انجام دهد و به خواسته هایشان برسند یا تماماً نرسند، چنین ظرفی که اسمش مجمع عمومی است، چرا تشکل نیست؟ به همان ظرف وقتی منظم و پایدار شد، میگویند شورا! تناقض کسانی که میگویند مجمع عمومی تشکل نیست، آنجا برجسته میشود، به همان ظرف مجمع عمومی میگویند "عالی ترین مرجع تصمیم گیری" پس چرا تشکل نیست؟ در نتیجه مجمع عمومی تشکل است چون از شورا جدا ناشدنی است. آنوقت رضا مقدم جواب دهد، شورای مورد نظر آنها چگونه درست میشود؟ مگر نقطه شروع ایجاد شورا مجمع عمومی نیست؟ مجمع عمومی باید شکل بگیرد و وقتی منظم و سازمانیافته شد ولو برای دو ماه و سه ماه، آنوقت اسمش شورا است. مجمع عمومی و شورا انتگره هم هستند. شورای بدون اتکا به مجمع عمومی نداریم، مجمع عمومی هنوز منظم و پایدار نشده و به این معنا شورا نشده را داریم، اما شورای بدون مجمع عمومی، شورا نیست. میخواهم بگویم، مجمع عمومی ظرف تعیین کننده ای است. ضمناً بر عکس شورا، سندیکا را بدون مجمع عمومی میشود، ایجاد کرد. میشود، هیئت مدیره را تعیین کرد، به قول سندیکالیست راستی چون منصور اسانلو که در یک جلسه قبلتر همین اتاق کلاب هاوس، مقاله نامه ها و موازین آی ال او برای ایجاد سندیکا را ردیف کرد بود، به عنوان سندیکالیست به نظرم بحثهایش درست بود. در نتیجه سندیکا را بدون مجمع عمومی میتوان درست کرد، اما شورا را نمیشود. شورای بدون اتکا به مجمع عمومی، همانطور که جعفر عظیم زاده هم گفت، یک هیئت نیابتی و نمایندگی از بالا است. من شخصا با این پدیده درگیر بودم. سالهای ۵۸ و ۵۹ به عنوان یک فعال سوسیالیست در سازمان کومه له آنوقت در شهر بوکان و حومه، در میان کارگران کوره، در میان زحمتکشان مصادره کننده ارضی، شوراهای بدون اتکا به مجمع عمومی و به این معنا نیابتی را درست میکردیم، در مناسبترین حالت ۱۰ تا ۱۵ نفر انتخاب میشدند، تا مدتها نه حسابرسی بود، نه عزل و نصب و تصمیم آحاد انتخاب کنندگان مطرح بود، واقعا مشکلات پیش میامد و جواب درست نمیگرفت. تا اتفاقاً بحثهای راهگشای سازمان "اتحاد مبارزان کمونیست" به دادمان رسید. از شورای متکی به مجمع عمومی صحبت کرده بودند. اینکه مجمع عمومی منظم و مرتب باید تشکیل شود. رضا مقدم آنوقت از کادرهای بالای اتحاد مبارزان بود. دیدیم این جهتگیری و بحثها روشن و راهگشا است. برگشتیم به همان کارگران در کوره ها

و زحمتکشان روستایی مصادره کننده ارضی گفتیم، مجمع عمومی تان را پانزده روزه یا یک ماهه و ... برگزار کنید. تصمیمات جدید بگیرید. اگر چیزی را نمیخواهید، عوض کنید، نمایندگانی را که فکر میکنید درست کار نمیکند، عوض کنید. آنوقت شورا معنای واقعی خود را پیدا کرد. صحبت من با کسانی که میگویند مجمع عمومی تشکل نیست"، اینست مجمع عمومی و شورا از هم جدا نیستند، به قول جعفر عظیم زاده چرا این واقعیت ساده را قبول نمیکند که مجمع عمومی تشکل است. آن هم در شرایطی که در جنبش کارگران هفت تپه جا افتاده است.

**دوستان!** دوباره تکرار و تاکید میکنم سه ماه قبل درست در شرایطی که کارگران هفت تپه گفتند مجمع عمومی تشکل ما است، عده ای با این بحثهای بی پایه میخواستند بزنند تو سر پیشروی کارگران هفت تپه، اگر کسی صمیمیتی نسبت به کارگران هفت تپه دارد، این مسئله را قبول میکند و نقد میکند. فعالین آگاه کارگران هفت تپه همزمان که تاکید کردند، مجمع عمومی تشکل آنها است، از زحمات سندیکای قبلی در وقت خودش و فعالین آن امثال علی نجاتی هم قدردانی کردند. علی نجاتی عزیز که اینجا در بحث شرکت داری، من بودم به جای شما در همین بحثهای کلاب هاوسی برمیگشتم و میگفتم ما در دوره قبل سندیکا درست کردیم، کار درستی کردیم، شماها هم حمایت کردید. اما در این دوره دو سه ساله اخیر سندیکای هفت تپه در این اعتصابات و اعتراضات موجودیت و نقش نداشت. دوستان و همقطاران ما تشخیص و تصمیم شان این بود، که مجمع نمایندگان و مجمع عمومی را درست کردند. دستشان درد نکند و در کنارشان هستیم و به این بحثهای بی پایه میتوانستی پایان دهید. من فکر میکنم اگر کسانی خیلی علاقمند احیای سندیکای هفت تپه هستند و فکر میکنند زمینه دارد، حتی ۵۰۰ کارگر را حول آن جمع کنند، مجمع نمایندگان و فعالین پیشرو الزاماً تقابلی را با آنها نخواهند داشت. واقعیت مسئله اینست در مقابل پیشروی کارگران هفت تپه از جمله در عرصه تحکیم مجمع عمومی و حرکت شورایی آنها متأسفانه کارشکنی شد. این بحثهای بيمورد زیر نام دفاع از سندیکاراه افتاد.

به نظر من قاعدتاً در ادامه پیشروی کارگران هفت تپه، این مباحث و در کلاب هاوسها بحثها مسئولانه میبایست میرفت سراینکه، دستاردهای این مبارزات چگونه بوده است؟ تجارب چی هستند و چگونه به بخشهای دیگر کارگری منتقل شود. بخشهای مختلف جنبش کارگری در این شرایط چکار کنند؟ آیا در این شرایط و در این تناسب قوا شورا- سندیکا باید در تقابل با هم بیفتند. من موافق نیستم. در شرایط استبداد و اختناق شدید، محور بحث اینست، ایجاد تشکل کارگری مستقل از دولت خیلی مهم است. من طرفدار جنبش مجمع عمومی و شورایی فکر میکنم مطلوب اینست اساساً کارگران پیشرو و سوسیالیست بر ایجاد مجمع عمومی و شورا فوکوس داشته باشند. طبعا دوستان و فعالین گرایش سندیکایی بر روی ایجاد سندیکا فوکوس خود را خواهند داشت. در این شرایط، جنبش مجمع عمومی و شورایی درست و حسابی، با جنبش سندیکایی درست و حسابی علیرغم تفاوتها میتواند در زمینه مبارزات کارگری همکاری داشته باشند.

### دورسوم و پایانی بحث من:

**کسانی که میگویند مجمع عمومی تشکل نیست، در واقع میگویند شورا تشکل نیست!**

رضا مقدم میگوید، کسانی که میگویند مجمع عمومی تشکل است، به کارگران میگویند تشکل درست نکنید. به نظر من برعکس است. کسانی که بر مجمع عمومی پافشاری میکنیم، میگوییم مجمع

## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر -

پنجم دسامبر) ...

عمومی نقطه شروع تشکل شورایی است. شورا بدون مجمع عمومی شورا نیست. کسی که میگوید مجمع عمومی تشکل نیست، در واقع میگوید شورا تشکل نیست. این نکته که ایوب رحمانی میگوید مجمع عمومی پایدار نیست، نکته درستی است، اما تمام بحث اینست مجمع عمومی را پایدار کنیم. مجمع عمومی پایدار شورا است. کیفیت دیگری از تداوم کار مجمع عمومی و متناسب با آن اسمش هم شورا میشود. اینکه مجمع عمومی پایدار نیست، از این سرنیست، که مجمع عمومی در خود اشکال دارد و یا کارگران نمیدانند که باید پایدار باشد. بلکه تناسب قوا هنوز اجازه نداده، پایدار شوند. با هر درجه از تغییر تناسب قوا به نفع مبارزه کارگری، مجامع عمومی پایدار و منظم برگزار میشوند و این دیگر شورا است. به این دلیل گسترش جنبش مجمع عمومی و شورایی به شدت در چشم انداز است. تاکید بر مجمع عمومی و جنبش مجمع عمومی، معنای عملی اش تلاش همزمان برای ایجاد شورا و گسترش جنبش شورایی است.

دوباره از دوستان علی نجاتی اینجا در بحث شرکت دارد، میپرسم اگر در سه سال گذشته، سندیکای هفت تپه در سازماندهی جنبش کارگران هفت تپه، نقش داشته، بیاید و بگوید. اگر نداشته، که نداشته، آنوقت کسانی که مسئله سندیکا را در مقابل مجمع عمومی و مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه قرار دادند، به نظرم کسی مثل علی نجاتی میتواند به این بحث بپیورد و این دو قطبی غیر واقعی که راه انداخته شد، پایان دهد. بگوید دوره ای سندیکا درست کردیم و تأثیرات مثبت گذاشت و فعالین کارگری همین دوره، از نقش مثبت آن گفته و از زحمات فعالین آن قدردانی کرده اند. اما این دوره همقطاران و همزمان ما در هفت تپه تشکل مجمع نمایندگان و مجمع عمومی را ایجاد کردند. دست شان درد نکند. این تقابل سندیکا در مقابل تشکل مجمع نمایندگان را ایجاد نکنید و به این شکل به این تقابل ساختگی در مقابل پیشروی کارگران هفت تپه پایان دهد. مشکلاتی را هم که نجاتی میگوید همین الان در هفت تپه وجود دارد، لازمست گفته شود. خود او در محل امکان دسترسی به نمایندگان کارگران و مجمع نمایندگان دارد، با آنها طرح کند. اینکه ما از مجمع عمومی و تشکل شورایی و مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه دفاع کردیم، معنایش این نیست که چک سفیدی داده شده و کمبودها را نبینیم. اگر مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه در ادامه به مشکلات جواب ندهد، و بی جواب باشد، معلوم است به حاشیه رانده میشود و باید کاری کنند این اتفاق نیفتد.

بخش دیگر صحبتیم اینست، هرکس با تعبیر خودش میگوید این دوقطبی شورا- سندیکا در این دوره واقعی نبوده است. تعبیر من اینست کسانی زیر نام دفاع از سندیکا و در مقابل تشکل مجمع عمومی و مجمع نمایندگان هفت تپه اینکار را کردند. رضا مقدم در گفته ها و نوشته اش مدعی است که طرفداران مجمع عمومی و شورا که در احزاب هستند، این دو قطبی را ایجاد کردند. من برعکس می بینم. کسانی که پیشروی مجمع نمایندگان و مجمع عمومی و حرکت شورایی در هفت تپه را نتوانستند هضم کنند، این بحث را پیش آوردند. از جمله روبن

مارکاریان از رهبری یکی از جناحهای راه کارگر که رفیقمان جوابش را داد. در ادامه خود رضا مقدم که الان نوبت صحبتش هم میرسد و امیدوارم منصفانه قضاوت کند، بیشتر این مسئله را تئوریزه کرد. طرفداران مجمع عمومی و شورا در این دوره مشکلی با سندیکای واحد نداشتند. حمایتش کردند. سندیکای هفت تپه تا جایی که کار کرد و وجود داشت، حمایتش کردند. این دوره هم بحثی با موضوع تقابل شورا سندیکا راه نینداختند. از جنبش کارگران هفت تپه با تمام امکان حمایت کردند. الان هرکس با هر تعبیری اگر معتقد است، این تقابل واقعی نبوده، خوب از این بحث عبور کنیم. چون جنبش کارگری ایران با اوضاع پیچیده ای روبرو است. از یک طرف چشم انداز امید بخش و اینکه میروند در رأس مبارزات جامعه قرار گیرد. میتواند بر جنبش معلمان، دانشجویی، جنبشهای اعتراضی دیگر تأثیر بگذارد. جنبشهای دیگر این نقش جنبش کارگری را پذیرفتند. در این دوره علاوه بر خواست و مطالبه روشن، سازمانیابی توده ای کارگری مهم است. در این دوره مشخص فعلا تقابل شورا و سندیکا در محل، در محل کارخانه و در مراکز کار و در جریان اعتصابات به وجود نیامده، در نتیجه بحثها به این طرف برود، که چشم انداز پیشروی آتی جنبش کارگری چه هست؟ در عرصه خواسته هایش، در عرصه سازمانیابی اش. ما امیدواریم به طرف جنبش مجمع عمومی و شورایی گسترده برویم و برای آن تلاش میکنیم. در عین حال سندیکاها هم به وجود میایند، تشکلهای دیگر هم به وجود میایند. اینها فصل مشترکها و خواسته های مشترک و دشمن مشترک خواهند داشت. علیه جمهوری اسلامی، علیه استبداد، و سرمایه داران و کار فرمایان. در عین حال تفاوتها این تشکلهای هم هست. چشممان را بر واقعیت نبندیم. تفاوتها هم گفته شود. تمایزات گفته شود. شفافیت مهم است. برای انتخاب سیاسی خود کارگران، برای انتخاب سیاسی خود جامعه. از من میپرسی رفقای برگزار کننده کلاب هاوس نقد و نظر بحثهای اینجا به این طرف برود. موضوعات دیگر از جمله تشکلهای کارگری اعم از اینکه مجمع عمومی و شورا، سندیکا هستند، در این دوره وظایف محوریشان چیه؟ چه قدمهای دیگری را باید برداشت؟ کجاها باید همکاری کنند؟ کجاها نکنند؟ چگونه مواظب راست جامعه باید بود. چطوری علیه محور مقاومتی ها و به نام عدالت خواه نگذاریم به جان جنبش کارگری بیفتند. به اینها بعنوان سرفصلهای مهم بپردازیم و از بحثهای به خود مشغول کنونی فاصله بگیریم. هر جا جنبش طبقه مان پیشروی داشت، بدون ملاحظه در کنار آن باشیم و حمایت کنیم.

آخرین بخش صحبتیم اینست، قبلا اشاره کردم، جنبش شورایی، جنبش سندیکایی، در جنبش کارگری جهانی و در ایران هم دو جنبش متفاوت و متمایزیند. دو ترند، دو نوع سیاست، دو نوع گرایش و دو نوع الگوی سازمانی دارند. این واقعیت را باید دید. در عین حال اگر کسی فکر کند سندیکا و سندیکا سازی همین الان در ایران درست مثل سندیکالیسم در کشورهای اروپایی است، اشتباه میکند. اولاً من فکر میکنم در ایران سندیکالیسم باسابقه و پخته ای نداریم. استبداد نگذاشته است. کاش در چهل سال گذشته حداقل جنبش سندیکایی پر قدرت میداشتیم، کار کمونیستها و آزادیخواهان هم آسانتر میبود و شرایط کار ما طرفداران مجمع عمومی و شورایی هم مساعدتر میشد. ثانیاً سندیکالیسم در ایران آینده جدی هم ندارد. تازه جنبش سندیکایی هم شکل بگیرد علیرغم تفاوت و تمایزات با جنبش شورایی تا به شکل اتحادیه های زرد کنونی در اروپا و ... دربیاید، فاصله دارد. چون این جامعه در تب و تاب مبارزات انقلابی بسر میبرد، بر



به نقل از کانال مستقل کارگران هفت تپه در حمایت از معلمان

## از خواستها و اعتراضات معلمان حمایت کنیم!

امروز پنجشنبه دوم دیماه بار دیگر و برای چندمین سال متوالی، معلمان عزیز در سراسر کشور با اتحاد و قدرت بیشتری دست به اعتراض برحق و متحدانه زده و در خیابان ها حضور یافتند تا مطالبات برحق خود را دنبال کنند. دستگیری و پرونده سازی و تهدید روی اتحاد و روحیه معلمان تأثیری نداشته است و حتی برعکس اتحاد و خشم آنها را بیشتر کرده است. این عزیزان مثل ما کارگران هفت تپه از اتحاد و تاکید بر کار و خرد جمعی نام می برند و سعی می کنند منافع عموم معلمان و فرهنگیان از شاغل و بازنشسته و کارکنان مدارس را در نظر داشته باشند و همینطور از لزوم آزادی بی قید و شرط معلمان زندانی بگویند.

معلمان نور چشم هر نسل هستند. آنها فرزندان ما و نسل جدید هر جامعه را آموزش می دهند. واقعا بشکند دستی که بر روی معلم و کارگر و انسان حق طلب بلند می شود. ما کارگران، از اعتراض و مطالبات معلمان عزیز حمایت می کنیم. حمله به معلمان شریف و بازداشت و زندانی کردن آنها را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

ما کارگران به مساله شهریه دادن و محرومیت از تحصیل فرزندان مان بشدت معترضیم. ما نسل اندر نسل گفته ایم که آموزش و بهداشت رایگان جزو حقوق پایه ای مردم است، کسی نمی تواند آنرا بگیرد. ما همصدا با معلمان عزیز اعلام میکنیم که مخالف کالایی سازی آموزش هستیم و آموزش نباید پولی و تجاری شود. ما قاطعانه اعلام میکنیم که از مطالبات معلمان عزیز حمایت کرده و خواهان تصویب و اجرای فوری نظام پرداختی مورد نظر معلمان هستیم.

معلمان عزیز قدمتان استوار و عزمتان پایدار. ما هفت تپه ای ها در کنار شما هستیم.

جمعی از کارگران هفت تپه در بخشهای مختلف پنجشنبه - ۲ دی ۱۴۰۰

انتشار: کانال مستقل کارگران هفت تپه

تماس با کانال @kargare7tapeh

**آموزش رایگان برای همگان!**

**آموزش یک حق است نه یک امتیاز!**

## لزوم و شکل تشکل کارگری در مقطع کنونی!

(سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس نقد و نظر - پنجم دسامبر) ...

سندیکاها هم تأثیر میگذارد و مجبورند کارکرد مثبت از خودشان نشان دهند. اینکه در آینده چه میشوند را باید گذاشت برای همان آینده. به علاوه بین سندیکا درست کردن و سندیکالیسم فرق هست. من هر سندیکایی را فوراً به سندیکالیسم سنجاق نمیکنم. هر سندیکای مشخص را با عملکرد مشخص آن باید قضاوت کرد. عملکرد سندیکایی میتواند مورد حمایت باشد و عملکرد سندیکای دیگر مورد حمایت نباشد. و نکته پایانی فکر میکنم بیش از پیش در این دوره بر تلاش برای سازمانیابی توده ای کارگران باید تمرکز داشته باشیم. هر گرایشی بر اساس افق و سیاست و سنت خودش تلاش کند. ما به سهم خود بر گسترش جنبش مجمع عمومی و جنبش شورایی متمرکز هستیم. با سندیکا هم تقابل نداریم. اگر جایی سندیکایی درست شد و به قول معروف کارگران خشتی روی خشت گذاشتند، از آن حمایت میکنیم. عملکرد هر سندیکا را نگاه میکنیم، قابل حمایت بود، حمایت میکنیم. قابل حمایت نبود، نمیکنیم. قابل نقد بود، نقد میکنیم. حتی در مورد مجمع عمومی و شورا هم اگر قابل نقد بود، همین کار را میکنیم. امیدوارم جنبش کارگری ایران پر قدرت به طرف گسترش سازمانیابی توده ای کارگری اساساً در جنبش مجمع عمومی و شورایی و حتی سندیکا و اشکال دیگر گامهای جدی بردارد. به نظرم این یک تحول بزرگ برای پیشروی مبارزات کارگری و مهمتر برای تحولات سیاسی ایران خواهد بود. با تشکر که گوش دادید.

(این سمینار و این مبحث توسط اتاق کلاب هاوس نقد و نظر با شرکت ایوب رحمانی، رحمان حسین زاده و رضا مقدم در تاریخ پنجم دسامبر برگزار شد).

\*\*\*

**برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب**

**کمونیسست کارگری - حکمتیست را بطور**

**زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی**

**دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان**

**معرفی کنید. آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

**اعدام قتل عمد دولتی است!**

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



## سرکوب و "طناب‌های بر گردن" رژیم جنایت و کشتار را نجات نمی‌دهد!

دادخواهی خانواده‌های خاوران، جنبش آبان و قربانیان جنایت‌های چهل و اندی ساله حکومت اسلامی، طوفان گسترده و عظیمی را سامان دهد که تمام بنیانهای رژیم سرمایه‌داری اسلامی را نابود کند.

در همین حال در چند روز گذشته، شاهد دستگیری رسول بداعی و لیلیا حسین زاده بوده‌ایم. از شرایط این دو فعال معلمان و دانشجویان خبری در دسترس نیست. بنا به گزارشات، هردوی این بازداشت شده‌گان، بشدت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و احتمالاً در بند ۲۰۹ زندان اوین در همسایگی هیراد پیربدایی و نرگس محمدی زندانی و تحت بازجویی و شکنجه‌اند. و نیز چهل و هفت تن از زندانیان بند سیاسی زندان ارومیه هشتمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاشتند. این زندانیان که روز یکشنبه ۲۱ آذرماه در اعتراض به دستور رئیس زندان مبنی بر انتقال ساکنین این بند به بند جدید بدون امکانات و فضای کافی اعتصاب غذا کرده بودند با انتشار یادداشتی مشترک اعلام کرده‌اند که تا زمان اعلام رسمی مسئولان زندان مبنی بر لغو انتقال به بند جدید به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، اعدام جنایت‌کارانه حیدر قربانی و سایر زندانیان سیاسی را بشدت محکوم میکند و از همه مردم ایران، از همه نیروهای انساندوست و آزادیخواه درخواست می‌کند که علیه این رژیم جنایتکار و ماشین کشتار و جنایت دولت اسلامی به اعتراض برخیزند. نباید گذاشت صدای آزادیخواهی، حق‌طلبی، مطالبه خواهی، عدالت و انسانیت خفه شود، نباید گذاشت که جنایتکاران بهترین فرزندان این کشور را به جرم مقابله با جنایت و غارت و تبعیض و ستم به زندان و شکنجه و دار بسپارند، نباید صدای زندانیان محبوس در ارومیه، صدای سپیده و لیلیا و رسول و هیراد و اسماعیل و سایر زندانیان خاموش شود، باید صدای رسای این زندانیان، صدای رسای آزادی، برابری، انسانیت و رهایی از حکومت دار و داغ و شکنجه باشیم. ما همه انسانهای مسئول، آگاه، مبارز و آزادیخواه را به اقدامات گسترده در هر جای جهان و به هر گونه که میسر و موثر است برای اعتراض به سرکوب و زندان و اعدام فرامیخوانیم.

**زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!**

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

دوشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۴۰۰ - ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

روز یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰ جلالان رژیم، چهار زندانی سیاسی (حیدر قربانی، عبدالخالق سالارزهی، نعیم شه بخش و هادی شهریاری) را که سالها در بند بودند به دار آویختند تا درماندگی خود را با سیاست ایجاد رعب و وحشت جبران کنند. سیاستی که بعد از روی کار آمدن رئیسی جلالدها اعدامی در کارنامه وجهه اصلی و تنها راه بقای حاکمیت ننگین شان است. به این ترتیب یکشنبه سیاه و خونینی بر کارنامه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی افزوده شد.

حیدر قربانی، زندانی سیاسی اهل شهرستان کامیاران، بامداد یکشنبه به اتهام «بعی» در زندان سنندج اعدام شد. پس از نزدیک به ۵ سال زندان و شکنجه و اعتراف‌گیریهای اجباری، بی‌آنکه فرصت آخرین وداع را با خانواده اش داشته باشد، شبانه بدار آویخته و مخفیانه دفن شد. آدمکشان اسلامی خانواده قربانی را به دروغ برای دیدار فراخواندند، ولی به آنها خبر اعدام در صبحگاه و محل دفن جسدش را دربهشت محمدی سنندج نشان دادند.

اعدام حیدر قربانی در شرایطی صورت گرفته است که او پس از یکسال بازداشت و شکنجه در سلول‌های انفرادی، مجبور به تسلیم و اجرای سناریوی دستگاه امنیتی شده بود. این اعترافات در اسفند ماه ۹۵ از شبکه پرس تی وی انتشار یافت. کوتاه زمانی پس از آن، حیدر و همراه بازداشتی او، همه ی اعترافات را اجباری و تحت شکنجه و کذب محض میخوانند. تلاشها برای لغو حکم اعدام حیدر گسترش مییابد. نامه‌ها و طومارها به مقامات حکومتی نوشته میشود، قول و قرارهایی مبنی بر دادرسی مجدد داده میشود، اما قاتلان که برای طناب‌هایشان بدنبال گردن میگردند، شبانه حیدر را به دار آویختند.

در مقابل این سببیت و جنایت، علیرغم فشارها و تهدیدهای دستگاههای امنیتی رژیم، مردم شهر کامیاران در مقابل خانه حیدر قربانی تجمع کرده همبستگی خود را با خانواده قربانی و نفرت از وحشیگری رژیم را نشان دادند. همبستگی ای که یاد آور اعتصاب عمومی مردم در کردستان بعد از اعدام شوانه سید قادری، فرزند کمانگر و همراهانش در کردستان بود. همچنین همبستگی ای که نشانه شکست رژیم اسلامی در ترساندن و به عقب راندن جنبش اجتماعی و مطالباتی مردمان ایران در سراسر کشور است. جنبشی که اینک با اعتصاب بزرگ معلمان در بیش از ۱۲۰ شهر کشور در هفته گذشته و با تظاهرات باشکوه فرهنگیان شیراز و شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد" گامی بزرگ برای پیوند جنبش‌های مطالباتی و سیاسی برداشته است. جنبشی که پس از سرکوب تحصن دوهفته ای کشاورزان و مردمان تشنه اصفهان، بر بستر اعتصابات بزرگ هزاران کارگر پیمانی نفت و اعتصابات، اعتراضات، تظاهرات و اکیسونهای مستمر کارگران هفت تپه، فولاد، معادن و اعتراضات مستمر بازنشستگان و مالباختگان و کشاورزان و ... بر خاسته است و می‌رود که در کنار جنبش‌های

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!**



سراسری معلمان، والدین و دانش آموزان نیز همبستگی خود را از اعتصابات و اعتراضات معلمان کشور حمایت اعلام کرده اند.

حکومت اسلامی مثل همیشه، به جای پاسخ خواسته های مشروع کادر آموزشی، به اعتراضات آنان حمله کرده و برخی از معلمان معترض را دستگیر

کرده است. رژیم اسلامی به معلمان هشدار داده است که در صورت ادامه اعتصاب از کار اخراج و حتی بازداشت خواهند شد. دولت ادعا می کند که تحت تحریم اقتصادی است و کسری بودجه دارد و امکان پرداخت بیشتر حقوق و مزایا از جمله به معلمان را ندارد، اما همین حکومت ۴۰ درصد هزینه نیروهای سرکوب و تبلیغات رسانه ای، اضافه کرده است. همین حکومت به حمایت های مالی به نیروهای تروریستی مثل حماس، حشدالشعبی و حزب الله لبنان افزوده است. تنها صدها میلیارد دلار برای دستیابی به سلاح هسته ای طی سالهای گذشته خرج کرده است که هیچ شهروندی در ایران واقعاً نیازی به آن نداشته و ندارد. اما همین حکومت از اینکه صدها هزار دانش آموز سالانه بخاطر فقر خانواده های خود مجبورند کلاسهای درس را برای همیشه ترک کنند، بی تفاوت است. در رژیمی که سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار در آن "گم" می شود، مدارس جهالت و شبیادی بنام "حوزه علمیه" حمایت سرشار می شوند، روشن است برای معلمان، کارگران و پرستاران جامعه "پول نیست!" خارج از این، روشن است که حکومت اسلامی با هر چیزی که به آموزش، پیشرفت و سعادت بشری مربوط است و انسانها را از جهالت دینی آزاد می کند، دشمنی عمیق دارد. این نظام نیازی به آموزش علمی نسل آینده ندارد. اینها تکنیک، صنعت و علم را انقدر می خواهند که به وسیله آن مردم را کنترل، آزادیخواهان را سرکوب و حکومت کذائی شان را حفظ کنند.

مردم آزادیخواه!

معلمان، کارگران، مستمری بگیران، بازنشستگان، به همبستگی و حمایت شما نیاز دارند. آنان را در دسترسی به حقوق حقه شان یاری رسانید. همراه و هم سنگر معترضین جامعه ایران باشیم و امروز بویژه از مطالبات بر حق معلمان معترض در ایران حمایت کنیم. جمهوری اسلامی در سراسری سقوط قرار دارد. با همبستگی سراسری کار این نظام را به آخر برسانیم و نه تنها ایران را بلکه کل منطقه را از شر این جانیان اسلامی نجات دهیم.

زنده باد مبارزات کارگری و توده ای علیه حاکمیت اسلامی سرمایه.

۲۴ دسامبر ۲۰۲۱ برابر با ۳ دی ۱۴۰۰

**هیراد پیر بدافی تحت فشار برای اعترافات کذب است**

**هیراد پیر بدافی آزاد باید گردد!**

## اعتراضات سراسری معلمان

### برای آزادی و رفاه

نادر شریفی

از سال ۲۰۱۷ و به ویژه پس از شیوع پاندمی کرونا، ارزش پول ایران کمتر از نصف شده است. این در حالی است که هزینه اجاره خانه، مواد غذایی و بهداشتی ظرف یکسال گذشته سه برابر گرانتر شده اند. بررسی ها نشان می دهد که یک خانواده چهار نفره برای تامین حداقل معیشت به ۱۲ میلیون تومان در ماه نیازمند است و این خط فقر امروز است. کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان با وجود اینکه بار اصلی جامعه بروی دوش آنان بوده و هست، حقوق میانگین بخشی از آنها کمتر از نصف حداقل سطح معیشت و خط فقر است. دستگاه های حکومتی خود از دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر کارگران صحبت میکنند. در سایه نکتت جمهوری اسلامی و پس از شیوع پاندمی کرونا می توان از تشدید سیستماتیک فقر در جامعه توسط حکومت اسلامی صحبت کرد. ثروتمندان، صاحبان صنایع و حکومت گران ثروتمندتر و ثروتمندتر می شوند و در مقابل کارگران، کادر بهداشت و خدماتی و کادر آموزشی هر روزه فقیرتر و از ثروت عمومی بی بهره تر می شوند.

سخن از حداقل بیست میلیون حاشیه نشین و بی خانمان، چهار و نیم میلیون کودک کار و خیابانی و میلیونها کارگرانی است که از هرگونه حقوق و مزایای اجتماعی و دولتی بی بهره اند. حداقل بیست میلیون از کارگران ایران بعنوان "کارگران زیر پله ای" معروف اند که از هیچگونه حمایت و پشتوانه اجتماعی دریافت نمیکنند. تاخیر شش ماه در پرداخت حقوق در سایه نظام سرمایه اسلامی در ایران امری است "عادی". بی ارتباط هم نیست که سراسر کشور را اعتصابات و اعتراضات کارگری در بر گرفته است. در این راستا بیش از سه هفته است که اعتصاب عمومی میان معلمان تمامی مقاطع تحصیلی در ایران آغاز شده است. از شمالی ترین تا جنوبی ترین و از غربی ترین تا شرقی ترین نقطه ایران معلمان در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند. روشن است در جمهوری اسلامی، شغل معلمی یکی از کم درآمدترین و سخت ترین مشاغل در کشور است. معلمان، بازنشستگان در کنار کارگران و عمده کادر درمانی کشور برای تامین هزینه های حداقل زندگی نیازمند شغل دوم و حتی سوم اند.

اعتصابات سراسری اینبار معلمان زمانی آغاز شد که دولت سرکوب رئیسی و مجلس اسلامی به درخواست های مکرر آنان مبنی بر رتبه بندی و امنیت شغلی، همسانسازی حقوق بازنشستگان، آزادی معلمان زندانی، آموزش رایگان و با کیفیت علمی برای همه دانش آموزان، پاسخی نداد. معلمان همچنین بر علیه فقر و تبعیض اعمال شده بر اکثریت عظیم جامعه ایران معترضند. معلمان خواهان لغو قوانین آپارتاید جنسی در مراکز آموزشی اند و با مذهبی کردن مراکز آموزشی و حضور صنعتگران مذهبی، آخوندها، در مدارس مخالفند. با آغاز اعتصاب

**آموزش رایگان برای همگان!**

## انتخابات در شیلی

سیاوش دانشور



و قوانین اساسی سرمایه داری خراشی وارد میکند. انتقادی که در چهارچوب چپ پارلمانی نهایتاً و در بهترین حالت به هرس کردن زیاده رویهای راست افراطی محدود میشود.

میگویند بوریگ چپ و سوسیالیست است، فمینیست و پرو محیط زیست است. تاریخ سرمایه داری انواع

سوسیالیسم بخود دیده است، از اتوپی‌های سوسیالیستی و سوسیالیسمهای غیر کارگری تا کمونیسم و سوسیالیسم کارگری. حتی اگر بوریگ خود را سوسیالیست بخواند، سوسیالیسم وی چیزی جز تعدیل زیاده رویهای سرمایه داری و تلاش برای ایجاد رفهمانی برای کاستن شکافهای گسترده طبقاتی نیست. پلاتنم ضد ریاضتی و رفرمیستی اسپراس در یونان و احزاب مشابه در اسپانیا و کشورهای دیگر، کوربین در انگلستان و سندرز در آمریکا، کمابیش خط مشابهی را دنبال میکردند. همه این جریانات مدعی بودند که از طریق پارلمان و انتخابات میخواهند این سیاستها را عملی کنند و البته به هیچ نتیجه ای نرسیدند.

برای یک پراوتیسین کمونیست، یک فعال صفوف مبارزه سوسیالیستی، زمانی که آلترناتیو انقلابی و کمونیستی کارگری هنوز در صحنه حضور ندارد، بهتر است جناحهای کمتر هار سرمایه و ظاهراً مدافع درجه ای از حقوق کارگران و شهروندان سکان قدرت را بدست بگیرند تا جناحهای افراطی تر. اما هیچ کمونیست جدی این توهم را نباید داشته باشد که این جریانات میتوانند پرچمدار حقوق و منافع کارگران و محرومان باشند. تا به نمایندگی فرمال درجه ای از اعتراضات کارگران و محرومان در این احزاب مربوط است، این فشار چپگرانی و اعتراضات ضد کاپیتالیستی در جامعه است که برای کنترل و کانالیزه کردن آن، سخنگویان و فراکسیونهایی در میان احزاب طبقه حاکم و سیستم پارلمانی پیدا میکند. اینکه چنین جریاناتی در این بُرّه مشخص تاریخی امکان حضور می یابند و مورد استقبال قرار میگیرند، نه بدلیل انطباق آنها با واقعیت اجتماعی بلکه بدلیل عدم حضور قابل اعتنای احزاب مارکسیستی و کمونیستی کارگری است که نماینده و پرچمدار اعتراض ضد کاپیتالیستی و نقد سوسیالیستی کل وضع موجود باشند.

اما اصلاحات چقدر ممکن است؟ اولاً بورژوازی امروز قدرت رفرم ندارد، تکرار "نیویدل" دیگری ممکن نیست، بازگشت به دولتهای رفاه و اقتصاد کینزی در دستور بورژوازی نیست، تحمیل اصلاحات عمیق و پایدار به بورژوازی از دریچه پارلمان و انتخابات ممکن نیست و مدعیان چپگرانی مانند الکسیس سپیراس و سیریزا نیز نهایتاً همان کاری را کردند که احزاب دیگر سنتی بورژوازی انجام دادند. ثانیاً و بطریق اولی تحقق سوسیالیسم بطور کلی و هر درجه سیاست سوسیالیستی بطور اخص، از مسیر و چهارچوب انتخابات و پارلمان بورژوازی به یک غیر ممکن بدل شده است. پارلمان یک رکن حاکمیت بورژوازی و یک نهاد اعمال اراده طبقه ای است که از لحاظ اقتصادی قدرت را در دست دارد. فراکسیونهای پارلمانی و کرسیهای "وکالت و نمایندگی" مردم، تنها بیان دیگری از توازن قوای بین احزاب این طبقه در نهاد پارلمان برای تصویب قوانینی هستند که سلطه و اراده طبقه حاکم را قانونیت می بخشد. پارلمان شاید زمانی دور میتواند موقتاً و بصورت تاکتیکی آنهم در یک تناسب قوای مشخص و کنکرت، بعنوان تریبونی

یکی از وقایع هفته اخیر، پیروزی کاندیدای چپگرا، گابریل بوریگ در مقابل کاندیدای راستگرا خوزه آنتونیو کاست هوادار حکومت پینوشه، در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شیلی در روز ۱۹ دسامبر است. شیلی از جمله کشورهای آمریکای لاتین است که سیاست در آن قطبی است. این انتخابات بر متن یک جدال قدیمی از کودتای پینوشه تا پایان حکومت نظامیان و دموکراسی هواداران غیر نظامی پینوشه و مشخصاً خیزش توده ای و کشمکش چند سال قبل صورت میگیرد. اعتراضات توده ای علیه فقر و گرانی در شیلی از اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد. سانتیاگو شیلی به میدان جنگ داخلی و تظاهراتهای میلیتانت علیه حکومت سباستین پینرا تبدیل شده بود. بپاخاستگان بدون هیچ قید و شرطی خواهان سرنگونی دولت و استعفای فوری پینرا بودند. رئیس جمهور میلیاردی هم، تمام ظاهر فریبنده دموکراسی در شیلی را کنار زده و با انداختن ارتش و نیروی ضد شورش به جان معترضین به پینوشه گفت: "آسوده بخواب که او بیدار است!!" از دستگیریهای شش هفت هزار نفره تا قتل حدود بیست تن از تظاهرات کنندگان، از سازماندهی ربودن افراد فعال و شکنجه و ترور تا استفاده از تجاوز جنسی در دستور قرار گرفته بود. هدف این بود که میراث دیکتاتوری نظامی پینوشه و سازماندهی اقتصاد مبتنی بر استثمار خشن کار ارزان در قالب "شکوفائی اقتصادی شیلی" و "دموکراسی جدید شیلی" پاسداری شود. این جدال در شیلی با سرکوب، دخالت پارلمانی و وعده برکناری پینرا، و بعد پاندمی کرونا به محاق رفت.

گابریل بوریگ از رهبران اعتراضات آنزمان دانشجویان بود و امروز پیروز انتخابات ریاست جمهوری است. پیروزی بوریگ در شیلی مایه شعف و استقبال در آمریکای لاتین و میان جناح های چپ و مرکز شده است. تردیدی نیست که در دنیایی که آمریکا و دولتهای سرمایه داری با وقاحت تمام و آشکارا طالبان را به مردم افغانستان تحمیل می کنند، پیروزی یک فرد و جریان چپگرا حتی در انتخابات پارلمانی خبر خوبی محسوب میشود. تردیدی نیست دولت چپگرایان رفرمیست بهتر از دولت راستگرایان هوادار پینوشه است و به این معنای محدود ارجحیت دارد. اما امیدها و توهمات تاکنونی به پیروزی انتخاباتی در شیلی نایجا است. بوریگ، با فرض چهارچوب حاکمیت سرمایه داری در شیلی، نهایتاً دستور کار اصلاحات سیاسی و اقتصادی دارد. در همین سطح، دست اندازهای اصلی در جدال چپ و راست پارلمانی در شیلی بعد از پیروزی گابریل بوریگ است. یک چشم انداز میتواند سیریزای دوم باشد، چپی که با پلاتنم علیه سیاست ریاضت اقتصادی راست قد علم میکند اما بعد از پیروزی راساً مجری سیاست راست میشود. یک چشم انداز دیگر برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی و ایجاد تعادلی مناسب تر است. این میشود معنای عملی ادعای "دفن نئولیبرالیسم در زادگاهش!!" نقد محدود آنتی نئولیبرالیستی به سرمایه داری، اگر نه برای همه گویندگانش، اما عموماً به ورژنی از راه حل سوسیال دموکراتیک و مرکز میرسد. با فرض انجام اصلاحات، نه به اساس دیکتاتوری سرمایه و ارکانهای اساسی قدرتش دست میبرد، نه به اساس مالکیت خصوصی



## انتخابات در شیلی ...

در بالا با هدف بسیج در پائین و به بحران کشیدن قدرت بورژوازی مورد استفاده قرار گیرد، اما در دنیایی با مشخصات سیاسی و اقتصادی امروز، امید کمونیست ها و طبقه کارگر به امام زاده پارلمان تنها میتواند توهمی خطرناک باشد. خام اندیشی و توهمی که حاصل آن بخت کردن موقتی طبقه کارگر و بخشهایی از جامعه پشت سر جناحهایی از بورژوازی و به تاخیر انداختن سیاست انقلابی کارگری خلعید از کل طبقه بورژوازی و در هم کوبیدن ماشین دولتی آنست.

تحولات در شیلی را باید دنبال کرد. کارگران و سوسیالیست ها میتوانند از فرصت ایجاد شده برای تحکیم قدرت و سازمان خود بهره جویند. توقعات خود را مستقل از محدودیت های بورژوازی و تاکتیک های ائتلاف پارلمانی طرح کنند. رابطه تاکتیکی طبقه کارگر و کمونیست ها در شیلی با دولت بوریک تنها میتواند براساس منافع مستقل طبقه کارگر علیه سرمایه داری تدوین شود. طبقه کارگر شیلی اما برای تامین منافع پایه ای خود و امر رهایی خود و کل جامعه، بیش از هر زمان ناچار است از روی ماشین سیاسی و اداری و بورکراسی و تمامیت قدرت بورژوازی رد شود، آنرا در هم بکوبد و نظم نوین سوسیالیستی خویش را مستقر کند. پارلمان راه تحقق سوسیالیسم و اهداف محدود سوسیالیستی نیست، بیراهه ای برای اسارت جنبش واقعی و موجود سوسیالیستی کارگران است.

۲۳ دسامبر ۱۴۰۰

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود  
مستقیم و مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر  
نیازی برپا کنید!**

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

**زنده باد شوراها!**

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده  
ای را همه جا ایجاد کنید!**

**در کارخانه ها و محلات شوراها را  
برپا کنید!**

**امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و  
فردا ارگان حاکمیت!**





## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر**

### اعدام حیدر قربانی در زندان سنندج

حیدر قربانی زندانی سیاسی سحرگاه روز یکشنبه ۲۸ آذرماه مخفیانه و بدون ملاقات با خانواده اعدام شد. صالح نیکبخت وکیل مدافع حیدر قربانی گفته است که در ساعت ۷:۵۳ عصر روز شنبه با حیدر قربانی گفتگویی داشته و تا آن لحظه وی از قرار اجرای حکم اعدام خود مطلع نبوده است. حیدر قربانی در گفتگو با این وکیل دادگستری اعلام کرده بود که قرار شده پرونده با دستور رئیس قوه قضاییه جهت رسیدگی به درخواست اعمال ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری در دادگستری استان کردستان مجدداً رسیدگی و نتیجه به رئیس قوه قضاییه ابلاغ شود. به دنبال این جنایت جمهوری اسلامی صدها نفر از مردم شهرستان کامیاران، روز یکشنبه ۲۸ آذر ماه در اعتراض به اجرای حکم اعدام حیدر قربانی در مقابل منزل وی تجمع برگزار کردند. حضور گسترده مردم کامیاران علیرغم تهدیدهای مکرر اداره تروریستی اطلاعات، نشان‌دهنده خشم و انزجار از اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی در اجرای حکم اعدام حیدر قربانی است.

### اعلام همدردی رضا کمانگر و برنامه جامعه و کارگران

با اعدام حیدر قربانی پرونده جنایت سران رژیم اسلامی سنگین تر شده است! روز ۲۸ آذر حیدر قربانی زندانی سیاسی را بدون اطلاع خانواده، بستگان و افکار عمومی برای زهر چشم گرفتن از اعتراضات کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان و خیزشهای توده‌ای که هر روزه در میدان نبرد برای پایان دادن به بیکاری، تحمیل فقر، گرانی، گرسنگی و فساد و در یک کلام برای سرنگونی رژیم اسلامی تلاش میکنند، اعدام کردند. اجرای حکم اعدام حیدر قربانی برای جرمی که مرتکب شده بود نبود، او گروگان سران رژیم اسلامی برای انتقام گرفتن از اعتراضات و مبارزات جنبشهای اجتماعی علیه کل حاکمیت سپاه رژیم اسلامی بود. اما سران رژیم اسلامی کور خواندند، اعدام حیدر قربانی و هزاران اعدام و دستگیری، شکنجه و صدور احکام سنگین برای فعالین عرصه های جنبشهای اجتماعی دیگر ضمانتی برای طولانیتر شدن عمر ننگین رژیم اسلامی نیست!

ما در برنامه روز سوم سپتامبر ۲۰۲۱ جامعه و کارگران در مصاحبه با هیمن فرزند حیدر قربانی، اعلام کردیم حیدر قربانی، مجرم نیست، صدور حکم اعدام برای او جهت زهر چشم گرفتن از اعتراضات جنبشهای اجتماعی است و تنها با فشار میتوانیم از اعدام او جلوگیری کنیم که متأسفانه طی سه ماهه اخیر تلاش آنچنانی برای فشار بر سران رژیم اسلامی صورت نگرفت و سران رژیم اسلامی از این سکوت سه ماهه استفاده کردند و از آنجا که رژیم اسلامی در محاصره اعتراضات جنبشهای اجتماعی قرار دارد با خیال باطل از این اعتراضات زهر چشم میگیرند حیدر قربانی قربانی را اعدام کردند. ما ضمن اعلام

همدردی با همسر، فرزندان، خواهران، برادران، بستگان و مردم کامیاران اعدام حیدر قربانی را بشدت محکوم میکنیم. رضا کمانگر، از طرف تیم برنامه جامعه و کارگران ۲۸ آذر ۱۴۰۰

### اجتماعات سراسری معلمان

به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز پنجشنبه دوم دیماه در ۱۰۴ شهر اجتماعات اعتراضی با خواست اجرای رتبه بندی حقوق شاغلین، همسان سازی حقوق بازنشستگان، تحصیل رایگان، تامین بهداشت و سلامت، آزادی فرهنگیان و زندانیان سیاسی و حمایت از مبارزات کارگری و دیگر اعتراضات اجتماعی برگزار گردیده است. در این اجتماعات تعداد قابل توجهی از دانش آموزان و والدین شرکت داشتند.

### تجمعات فرهنگیان در شهرهای مختلف ادامه داشت

روز یکشنبه ۲۸ آذر معلمان و فرهنگیان در اعتراض به مصوبه ناقص رتبه‌بندی مجلس و مخالفت دولت با اجرای رتبه‌بندی و عدم اجرای طرح همسان سازی در شهرهای اصفهان، آمل، خرم‌آباد، میوان، ساری و ... تجمع کردند.

### تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمت اصفهان

روز شنبه ۲۷ آذر، تعدادی از معلمان خرید خدمت اصفهان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان، دست به تجمع زدند. معلمان شعارهایی از قبیل "کار شبانه روزی، بیمه ۱۶ روزی، حقوق ۱۵ روزی، نمیخوایم، نمیخوایم!" را سر دادند.

### تجمع و راهپیمایی کارگران شرکت واحد مقابل شهرداری تهران

روز ۲۸ آذر رانندگان و کارگران شرکت واحد در اعتراض به عدم اجرای بازنگاری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دیگر مطالبات معوق کارگران در مقابل شهرداری و شورای شهر تهران تجمع کردند. در این تجمع بیش از ۲۰۰ تن از رانندگان و کارگران شرکت واحد شرکت کردند. کارگران حدفاصل ساختمان شورای شهر و شهرداری تهران را راهپیمایی کردند و شعار سر دادند.

### معوقات مزدی کارگران خطوط ابنیه فنی قطار شهری تهران

کارگران خطوط ابنیه فنی شاغل در خط ۵ قطار شهری تهران می‌گویند که پیمانکار سابق هنوز بابت مطالبات مربوط به دست‌کم سه ماه دستمزد پرداخت نشده با آن‌ها تسویه حساب نکرده است. این کارگران گفتند: سالیانه تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «تراورس» به عنوان کارگر ابنیه فنی برای نگهداری از خطوط ریلی خط ۵ مترو تهران به کرج مشغول به کار بوده‌ایم اما از زمان خاتمه قرارداد پیمانکار،

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

اوین، برای دومین بار در ده روز گذشته به دلیل وخامت وضعیت جسمی به بیمارستان طالقانی تهران منتقل شده است. زینب همرنگ به بیماریهای متعدد زمینه‌ای از جمله فشار خون، مشکلات کلیوی و بیماری چشم مبتلا است. زینب همرنگ پس از انتقال به بیمارستان و به‌رغم بیماری و وضعیت جسمی نامناسب، توسط ماموران مرد با پایند به تخت بیمارستان بسته شده است. زینب همرنگ سیدبگلو، حدوداً ۵۰ ساله، ساکن تهران و از اهالی شهرستان مغان در استان اردبیل است. دادگاه انقلاب تهران این معلم بازنشسته را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال حبس تعزیری و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم کرده است.

#### رضا خندان (مهابادی) از زندان به بیمارستان طالقانی منتقل شد

۳۰ آذر ماه رضا خندان (مهابادی)، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران به بیمارستان طالقانی منتقل شد. خندان در روزهای گذشته دچار تب، تنگی نفس، سرفه، ضعف شدید و بدن درد بود و چند بار به بهداری اوین مراجعه کرده و هر بار با چند داروی مختصر به بند باز گردانده شده بود. روز گذشته این علائم به ویژه تنگی نفس و سرفه‌ها شدت گرفتند و خندان با کمک همبندانش دوباره به بهداری مراجعه کرد. این بار نیز با وجود تشابه وضعیت خندان با بکتاش آبتین، بهداری اوین قصد داشت او را به بند برگرداند، اما با اعتراض همبندان و یادآوری اینکه رسیدگی دیر هنگام به آبتین جان او را در معرض خطر قرار داده است، بهداری به ناچار سطح اکسیژن او را اندازه گرفت. پایین بودن سطح اکسیژن، تب بالا، سرفه‌های مکرر و اعتراض همبندان خندان به عدم رسیدگی به وضعیت سلامت او، مسئولان زندان را وادار کرد تا او را به بیمارستان طالقانی منتقل کنند. خانواده‌ی خندان از صبح امروز در تلاش‌اند تا به اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت سلامت و بیماری او دست پیدا کنند. اما تا کنون پاسخی دریافت نکرده‌اند.

#### تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در تبریز، کرمانشاه و خرم آباد

روز یکشنبه ۲۸ آذرماه، بازنشستگان تامین اجتماعی تبریز، کرمانشاه و خرم آباد در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در مقابل ساختمان این سازمان دست به تجمع زدند. بازنشستگان معترض کرمانشاهی، با پهن کردن سفره خالی، به شکل سمبلیک وضعیت اسفبار معیشتی خود را برای افکار عمومی به نمایش گذاشتند.

#### تجمع یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان فولاد خوزستان و اصفهان

روز یکشنبه ۲۸ آذرماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگيران صندوق بازنشستگی فولاد مقابل ساختمانهای این صندوق در شهرهای اهواز و اصفهان تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات‌شان دست به تجمع می‌زنند.

\*\*\*

تاکنون هنوز نتوانسته‌ایم مطالبات معوقه خود را از پیمانکار دریافت کنیم. مجموع مطالبات هر یک از کارگران واحد نگهداری در خط ۵ قطار شهری تهران به کرج حدود ۳۵ میلیون تومان است.

#### تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی فارابی

کارکنان پتروشیمی فارابی در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پیگیری مطالبات قانونی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. فوق‌العاده کارگاهی، افزایش مبلغ ساعت اضافه کار و حق شیفت و تعطیل کاری از دیگر خواسته‌هاست. مدیران شرکت حقوق و مزایای کارگران را کسر کرده‌اند و در پاسخ به اعتراض آنان تلاش کرده‌اند نیروهای دیگر را جایگزین کنند. همچنین برخی دیگر از کارکنانی که پیش از موعد بازنشسته شده‌اند ماه‌هاست حقوقی دریافت نکرده‌اند و روزهای سختی را سپری می‌کنند.

#### اعتصاب و تجمع کارگران معادن سنگ آهن بافق

روز چهارشنبه اول دی‌ماه کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی ایران بافق در اعتراض به اقدام مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد مبنی بر تغییر مدیر عامل این شرکت دست از کار کشیدند. کارگران معترض مقابل درب ورودی معدن چغارت تجمع کردند.

#### تجمع کارگران ایران شکلات در تبریز

روز چهارشنبه اول دی‌ماه کارگران شرکت ایران شکلات (چیچک) تبریز در شهرک عالی‌نسب به دلیل عدم پرداخت حق و حقوق‌شان مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند.

#### تجمع کارگران شرکت روی بندرعباس

صبح روز شنبه ۲۷ آذرماه کارگران شرکت روی بندرعباس در اعتراض به کاهش مدت قراردادهایشان تجمع اعتراضی برگزار کردند. درحالی‌که «فریدون همتی» استاندار سابق هرمزگان شهریور ماه امسال وعده رفع مشکلات تامین مواد اولیه شرکت روی را داده بود، اما به گفته کارگران این مشکلات هنوز حل نشده است. همچنین یکی از کارگران می‌گوید کارخانه شرکت روی بندرعباس از مرداد ماه امسال تعطیل بوده است.

#### تجمع اعتراضی نیروهای آموزشی شرکت بهره‌برداری گچساران

روز دوشنبه ۲۹ آذرماه، شماری از نیروهای آموزشی شرکت بهره‌برداری گچساران در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. تجمع این افراد در اعتراض به عدم استخدام و بلاتکلیفی هشت ساله آنها در این شرکت صورت گرفته است.

#### وخامت حال زینب همرنگ معلم محبوس در زندان اوین

زینب همرنگ، فعال صنفی معلمان و زندانی سیاسی محبوس در زندان

فراخوان به سازمانهای کارگری، اتحادیه های معلمان، افکار عمومی!

## از اعتصاب و اعتراض معلمان در ایران حمایت کنید!

معلمان ایران سالهاست در مبارزه اند و در دو هفته اخیر همراه با معلمان بازنشسته وسیعاً بمیدان آمدند. در روزهای ۱۰ و ۱۱ دسامبر در ۲۰۰ شهر دست به اعتصاب و تحصن زدند. در روز ۱۲ دسامبر در ۱۰۰ شهر ایران اجتماعات بزرگ برگزار کردند. خواستهای فوری آنان رتبه‌بندی و امنیت شغلی، همسانسازی یا برابر کردن حقوق بازنشستگان با سطح معیشت کنونی، آزادی معلمان زندانی، آموزش رایگان و با کیفیت علمی برای همه دانش آموزان است. معلمان علیه فقر و تبعیض اعمال شده به اکثریت عظیم جامعه ایران معترضند. معلمان خواهان لغو قوانین آپارتاید جنسی در مراکز آموزشی اند و با مذهبی کردن مراکز آموزشی و حضور آخوندها در مدارس مخالفند.

ارزش پول ایران مرتباً سقوط میکند. حقوق‌ها ریالی است اما هزینه‌ها دلاری محاسبه میشود. نرخ اجاره خانه و مواد اولیه غذایی و بهداشتی ظرف یکسال گذشته حداقل ۳۰۰ درصد گرانتر شده اند. طبق بررسی‌های دولتی یک خانواده چهار نفره برای تامین هزینه‌های در سطح خط فقر به دوازده میلیون تومان معادل تقریباً ۴۰۰ یورو در ماه نیازمند است. اما حقوق کارگران، بازنشستگان، پرستاران و معلمان بطور میانگین نصف خط فقر رسمی و کمتر است. در دوره پاندمی کرونا مردم فقیرتر شدند اما صاحبان صنایع و حکومتگران ثروتمندتر و میلیونرهای ایرانی بیشتر شدند. تعداد زیادی رسماً گرسنه اند. قریب بیست میلیون حاشیه نشین، میلیونها بی مسکن، چهار و نیم میلیون کودک کار و خیابان، تن فروشی و اعتیاد وسیع از نتایج این حکومت اند. اعتصابات معلمان گوشه‌ای از پتانسیل اعتراضی در محیطهای آموزشی است. شغل معلمی یکی از کم درآمدترین و سختترین مشاغل است. معلمان، بازنشستگان در کنار کارگران و نیروهای کادر درمان کشور برای تامین هزینه‌های حداقل زندگی نیازمند شغل دوم و حتی سوم اند.

دولت ده سال است در مقابل خواستهای معلمان مقاومت میکند و نهایتاً با اعتراضات اخیر قدمهایی عقب رفته اما اعتراض معلمان قویتر ادامه دارد و از حمایت دانش آموزان و خانواده‌ها برخوردار است. حکومت ایران به جای پاسخ به خواسته‌های برحق کادر آموزشی، به سیاست سرکوب و اخراج و زندان و تهدید روآورده است. این رژیم با هر چیزی که به آموزش، پیشرفت و سعادت بشری مربوط می‌شود، دشمنی دارد. معلمان و طبقه کارگر ایران نیازمند حمایت شما هستند. به دولت ایران فشار بیاورید که حقوق پایه‌ای معلمان را برسمیت بشناسد و زندانیان سیاسی را آزاد کند.

ما از سازمانهای کارگری، احزاب سیاسی و افکار عمومی پیشرو می‌خواهیم از مبارزات آزادیخواهانه مردم در ایران و معلمان و کارگران به هر شکل مقدور حمایت کنند. معلمان و بازنشستگان و کارگران در این مبارزه به همبستگی انترناسیونالیستی شما نیازمندند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیسٹ کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیسٹ



زنده باد سوسیالیسم!